

# مبارزه با بیسوادی و تغییر خط

سرچشمه پیشرفت معنوی و مادی بشر نیروی فکر اوست و حاصل این نیرو که آگاهی و دانش است به بشر توانایی سازندگی و آفرینندگی میدهد و با بکار بستن این نیرو آگاهی و دانش بشر نسل پس از نسل افزایش میگیرد. هر نسل تازه بر بنیاد آنچه به ارث برده آگاهی بیشتر بدست میآورد، فکرهای تازه میآورد، چیزهای تازه میسازد و پیشرفت میکند.

وسیله و اسباب فکر کردن زبان است. بدون زبان فکر کردن ممکن نیست و از اینرو انسان را حیوان گویا گفته اند. زبان نه فقط وسیله فکر کردن است بلکه وسیله رسانیدن فکر بدیگران است. انسان قرن‌ها و شاید هزاران سال فکر خود را بوسیله زبان با اصطلاح سینه به سینه به هم‌زبانهای خود و به نسل‌های آینده میرسانده است. شمار مردمانی که میتوانند از فکر هم‌زبانهای خود و از فکر نسل‌های گذشته از راه گفتار سینه به سینه آگاه شوند طبعاً بسیار کم بوده و در نتیجه پیشرفت بشر به کندی انجام میگرفته است زیرا زبان از واحدهای صوت درست شده و درسامتن آن فقط از راه شنیدن مسیر است و اگر گفته‌ای شنیده نشد محتویات فکری آن از دست میرود. احتیاج به اینکه زبان به صورتی ثبت شود تا آنتهایی که فرصت شنیدن آنرا نداشته‌اند بتوانند از محتویات آن استفاده کنند. انسان را به اختراع خط کشانید. پس خط وسیله ثبت کردن زبان یا بعبارت دیگر وسیله ثبت کردن صوت‌هایی است که زبان از آنها ساخته شده است.

## خط نقشی و خط حرفی

در آغاز بشر برای ثبت کردن زبان به این فکر افتاد که با نقش کردن اشیاء و دادن تغییرات در آن نقشها مطلب خود را برای آیندگان ثبت و بیان نماید. مثلاً اگر نقشی بسا سر و تنه و دو دست و روی دو پا کشیده شد بیننده آن را بزربان خود انسان میخواند. اگر پساهای او در حالت چیلو رفتن کشیده شده مقصود از آن نقش حرکت خواهد بود و اگر دستهای آن نقش بسوی بالا دراز شده مقصود از آن دعا کردن خواهد بود. و از این قبیل. پس برای هر شیئی و کاری نقشی جداگانه لازم است و این اصل در خط‌های نقشی کهن و در برخی خط‌های کنونی مانند خط چینی دیده میشود.

این خط‌های نقشی کم‌کم ساده‌تر و خلاصه‌تر شدند تا بصورتی درآمدند که دیگر بظاهر نماینده واقعی اشیاء نبودند بلکه برای کسی که آنها را می‌آموخت هر علامت نماینده يك لغت بود (آن را در اصطلاح خط واژه‌نگاری می‌نامیم) یا نماینده هجاهائی از آن لغت بود که آنرا خط هجائی می‌گویند.

آنگاه در دوره پیشرفته‌ای که بشر در آگاهی و دانش و فن پرورش یافته بود کسی که از تجزیه واحدهای صوتی زبان آگاه شده بود به این فکر افتاد که خطی بسازد که علامتهای آن نماینده صداهای زبان باشد یا بعبارت دیگر صداهای زبان را نقش کند و ثبت نماید. یعنی همان‌سان که در يك زبان پرورده لفظ دلالت بر معنی میکند همان‌طور هم در

يك خط پرداخته شكل حرف بايد دلالت بر تلفظ آن نمايد. آن شخص دريافته بود كه در توليد هر صدا اندامهاي بخصوصي از قبيل لبها يا زبان يا دندانها يا گلو يا بيني يا تركيبي از دو سه اندام دخالت موثر دارند و در توليد هر صدا اين اندامها وضع خاصي بخود ميگيرند و بفرق او رسيد كه مقطعي اين اندامها را در حالتها و تركيبهاي گوناگون با خطوط ساده‌اي نقش كنند. به اين ترتيب هر نقش نماينده يك صدای خاص خواهد بود و هر صدا يك نقش معين خواهد داشت.

البته آشكار است كه اين نقشها را ميتوان از روي اين اندامها از روبرو يا نيمرخ راست يا چپ كشيد.

اصلي را كه در ساختن خط حرفي بكار رفته ميتوانيم با اين عبارت بيان كنيم: خطوط مقطع اندامهاي توليدكننده صدا را در حالات و تركيبات گوناگون در هر نقطه تلفظ (سا به اسطلاح در مخرج هر صدا) از روبرو يا نيمرخ رسم كنيد و آن نقش نماينده و علامت آن صدا خواهد بود.

نمونه‌اي از بكار بستن اين اصل در جدول ذيل داده شده و چنانكه ديده ميشود علاماتي كه بدست ميآيد شكل حروف الفباهاي گوناگون قديم و جديد جهان است منتهي چون شكلهاي طبيعي حروف اغلب دراز است بعضي از آنها براي سرفه جوئي در جاي نوشتن يازباني نود درجه چرخانده شده‌اند.

### جدول اندامهاي توليدكننده صدا و حروف الفبايي گوناگون:

اندامها	از روبرو	از نيمرخ راست يا چپ
بيني	3	ص
لبها	م فنيقي و لايي	مناظره دگوني و فارسي دعوي
	ح	شوشك غلام انساني و مطالعات فرنگي ر
	B لايي (ب)	پ لايي (ب) P لايي (ب) ب نظاره تواب و پ
		خط اركا: نارس و پ فنيقي: 7
دوب پيش آبره	0	3
	0 لايي (گريه ياد) (ب)	د نظاره توبي و W انگليسي
لب و دندان	ll	7
	4 لايي (ن)	و دين بريمه و فارسي دعوي و 7 لايي (ن) و فارسي دگر
دندانها و بالا	lll W	c
		وو

ش رسی زینتی و س رسی ولایتی س ارسایی ش ارسایی (فصل) و  
 س رسی خارجی خط ارسایی (ک)

دندانه‌ها با لاد پایی  
 س رسی زینتی  
 س رسی ولایتی  
 س رسی خارجی

زبان و دندان  
 ت ا تیس  
 ت ارسایی

زبان  
 س رسی از اورد  
 س رسی بلند شده  
 س رسی آسانده  
 س رسی خارجی  
 س رسی ولایتی  
 س رسی خارجی

سطح زبان (بلند شده - کوی کام)  
 س ارسایی دکونی خارجی  
 س رسی دکونی

س رسی دکام  
 ج دج ارسایی (۲۲) دج  
 س رسی دکام  
 س رسی دکام

س رسی دکام  
 س رسی دکام (ک)

کام و ملازه  
 ق ارسایی (۲) ق خارجی دکام و ق ارسایی

گلک و تار کردا  
 لدا (آ) ارسایی دکونی ۶ (عمره) ارسایی دکونی ۴  
 س رسی دکام

## مخترع خط حرفی

در مثنی نمونه که در جدول بالا داده شد (که نمونه خروار است) این مطلب پیدا است که همه خطهای حرفی از قدیم و جدید در آغاز روی اصل طبیعی رسم کردن مقطع اندامها در مخرج هر صدا ساخته شده اند و جستجوها و بررسیهای یکی دو قرن اخیر همبستگی همه خطهای جهان را در آسیا و اروپا و افریقا با یکدیگر ثابت نموده و مسلم است که اصل و منشأ همه خطهای حرفی یکی بوده است .

در هیچ کجای جهان در تواریخ اقوام و ملتها به مخترع خط اشاره ای نشده است مگر بصورت افسانه ای که یا خدایانی خط را ساخته و نازل کرده اند یا پادشاه و بیغمبری آنرا مثلا در خواب یا از طریق دیگری از خدایان آموخته و از این قبیل یا با سراحت اعتراف شده که خط خود را از قوم دیگری گرفته اند . تنها کسی که در تارخ اختراع خط به او نسبت داده شده زردشت است . در نوشته های پهلوی و در کهن ترین نوشته های دوره اسلامی از جمله در نوشته های طبری و مسعودی و حمزه و ابن ندیم زردشت مخترع خط دانسته شده . از جمله مسعودی در التنبیه و الاشراف میگوید ، زردشت کتاب اوستای معروف خود را آورد و عدد سوره های آن بیست و یک بود و هر سوره ای در دو پست ورق شمار ، حرفها و صوت هایش شصت حرف و صوت و هر حرف و صوتی شکل جداگانه ای داشته . . . این خط را زردشت احداث کرده و مجوس آن را دین دبیره میگویند .

معنای دین دبیره خط دین است چون اوستا بآن نوشته شده . این خط که امروز آنرا آن در دست ماست کاملترین خطی است که در جهان بوجود آمده و هر صدا و صوتی که در زبان یا در تجرید و زمزمه ای اوستا بکار میرفته در آن با علامت خاصی نشان داده شده و حتی با علامتی حروف چهر و همس از یکدیگر مشخص شده اند . تاریخ نویسانی که در بالا نام آنها برده شد در ضمن اینکه شرح میدهند که ایرانیان هفت خط داشتند و هر کدام را برای منثور خاصی بکار میبردند و هر یک از آن خطها شیوه های گوناگون داشت از ویسپ دبیره که معنای آن خط کل است سخن میگویند و آن را وصف میکنند .

مسعودی درباره ای این خط کل که منشأ همه خطهای جهان است میگوید ، و زردشت خط دیگری پدید آورد که مجوس آن را خط کلی میگویند و با این خط زبان امتهای دیگر و صداهای حیوانات و پرندگان و جز آنها را می نویسند . شعار حرفها و صوتهای این خط صد و شصت حرف و صوت است و هر حرف و صوتی شکل جداگانه دارد . جدولی که در فوق داده شد باید نمونه ای از این ویسپ دبیره باشد .

پس خطهای کنونی جهان اعم از الفبای عربی و لاتین و روسی و ارمنی و حبشی و هندی و جز آنها يك اصل و منشأ دارند . و چون در طی قرنهای ( زمان زردشت قرن هجدهم پیش از میلاد است ) راز ساختمان حروف الفبا فراموش شده بود یا ملتها نتوانستند الفبای خود را طبق احتیاجات زبانشان تکمیل کنند یا برای مشخص ساختن حروف دست بدامان علامتهای قراردادی از قبیل نقطه و قلاب و نشانه های دیگر شدند و باین ترتیب الفباها صوت طبیعی و علمی خود را از دست دادند . پس خطهای کنونی جهای هر يك دارای مزیتها و نقصهایی نسبت به یکدیگر هستند و هیچ کدام کامل و علمی نیستند .

## خطهای نیم حرفی و نیم نقشی

در نتیجه فراموش شدن ساختمان خط ، بشریک سیر قهقرائی در امر نوشتن دچار شده است که در چند قرن گذشته دانشمندان اروپا از آن شکایت بسیار کرده اند و در زمان خود ما از جمله جرج برناردشاو نویسنده مشهور انگلیسی از بدبختی ای که بعلمت خط گریبانگیر

انگلیسیها شده است شکایت کرده و از دانشمندان راه علاجی برای آن خواسته است .  
 مینای خطحرفی بر این اصل است که هر صدا فقط يك علامت خاص داشته باشد و  
 هر علامتی نماینده فقط يك صدای خاص باشد و گرنه خطبجالت همان خطهای نقشی یا علامتهای  
 بی شمار میافشد که نه بخواندن آنها میتوان اطمینان کرد و نه آموختن آن کار آسانی است .  
 مثلا در خط لاتین نه فقط يك علامت دارای صداهای گوناگون در زبانهای مختلف  
 اروپائی است بلکه در يك زبان هم يك علامت نمایندهی چندین صدا میتواند باشد .  
 مثلا در انگلیسی حرف G در لغتها و ترکیبهای مختلف ممکن است گ ، ج یا ف  
 خوانده شود یا اصلا نماینده صدائی نباشد و زائده باشد یا مثلا حرف C ممکن است س ،  
 ک ، ش یا چ تلفظ شود و همچنین است در مورد حروف دیگر و در سایر زبانهای اروپائی .  
 ترکیب چند حرف یا هم برای نمایاندن يك صدا گاهی بصورت راستی و چشمتانگی  
 درآمده است . مثلا در آلمانی تلفظ چ را با ترکیب tsch نشان میدهند .  
 این سیر قهرقائی و نیم نقشی شدن خط نساچار در روش آموزش خط موثر بوده و  
 کارشناسان آموزشی در اروپا که دیده اند نمی توانند حروف را جدا جدا به کودکان بیاموزند  
 چون هیچیک از حروف تلفظ مشخص و یابرجائی ندارند ناگزیر شده اند تلفظ آنها را در هر  
 لغت جداگانه ( یعنی مانند خط نقشی ) یاد بدهند . این روش که از روی بیچارگی و درماندگی  
 بعلت ناقص بودن خط در اروپا اختیار شده برخی را گمراه نموده و تصور کرده اند که آموزش  
 الفبا باید از راه یاد دادن شکل لغتها صورت بگیرد نه از راه یاد دادن حروف و تلفظ  
 مشخص آنها .

### روش آموزش خط حرفی علمی و طبیعی

خوشبختانه يك دانشمند ایرانی که از دشواریهای روش آموزش خط که بر اصول غیر  
 علمی و غیر منطقی با فشار و از راه تکرار انجام میگرفت خوب آگاه بود در پی علاج آن برآمد  
 و دریافت که خار راه آموختن خط همان شکل غیر طبیعی حروف است .  
 جستجوئی که او برای یافتن يك خط آسان طبیعی نمود او را به کشف راز ساختمان  
 همه ی خطهای حرفی جهان رهنمون شد که خلاصه ای از آن را در بسالا نشان دادیم . این خط  
 آسان طبیعی را که کودک بدون فشار و ضمن بازی و تفریح از اطرافیان خود در چنان مدت  
 کوتاهی فرا میگیرد که تا کسی نمیتواند یاد بگیرد ، شکل است و خود کلیدی برای آموختن همه ی  
 خطهای حرفی جهان است . ذبیح بهروز کودک دبیره یا خط کودکان نامیده و شکل حروف آن که  
 از روی رسم کردن مقاصع اندامهای تولید کننده صدا کشیده شده طبعاً همانند شکل حروفی است  
 که منشأ تمام خطهای جهان بوده و هیچیک از علامت های آن نامانوس یا عجیب و غریب نیست .  
 بهروز در پاره ی روش آموزش این خط و در عین حال درباره تاریخ خط و تحولات آن و  
 اسناد و مدارک مربوط بخط رساله های متعدد نوشته که مفصلترین آنها زیر عنوان « دبیره » و  
 « خط و فرهنگ » در ۱۳۲۳ و ۱۳۲۵ در تهران منتشر شده است .  
 هیچ انسان خردمندی یافت نمیشود که راه آسان و سریع رسیدن بهدنی را رها کند  
 خاصه وقتی که این راه وسایل زیاد نخواهد و خرج زیادی هم در بر نداشته باشد . از این  
 لحاظ روش بهروز که سرفادعا نیست و هر کسی که بخواهد میتواند در عمل نتیجه ی آن را ببیند  
 بیگمان نظر آرائی را که از تعصبات و احساسات برکنار باشند جلب خواهد نمود . ولی بالاتر  
 از آسانی و سرعت اصل مهم دیگری هست که بآن کمتر توجه شده است .  
 کودک زبان و راه و رسم زندگی را از اطرافیان خود بدون اینکه آگاه باشد یاد  
 میگیرد . نخستین چیزی که بکودک آموخته میشود خط است . تاکنون خطهای گوناگون که راز

ساختمان آنها فراموش شده و دارای علامت‌های قراردادی غیرمنطقی هستند از راه تکرار و سه از روی فهم به کودک آموخته می‌شد ( اگر کودک طاقت آموختن آن را می‌داشت ) . پس کودک اولین چیزی را که یاد میگرفت کورکورانه از راه تکرار می‌آموخت همانطور که حیوانات مثلا برای بازی کردن در سیرک چیزی می‌آموزند . حال اگر کودک را با این روش طبیعی ساده و منطقی از روی فهم و دریافت خط بیاموزیم اثر آن در پرورش فکری آینده‌ی او بیشک شکفت خواهد بود و هم اکنون کودکانی که با این روش الفبا را آموخته‌اند نه فقط به آسانی الفبای کنونی فارسی و خط لاتین را فرا گرفته‌اند بلکه استعدادهای دیگر آنها که بعدتر میرفت بخصوص در ریاضی بیدار و فعال شده و در تحصیلات خود رتبه‌های ممتاز بدست آورده‌اند .

### تغییر خط

کسانی که در پی تغییر خط هستند برای دو هدف چاره می‌جویند . اول برای یافتن راهی که به آسانی بتوان خط را آموخت و مردم را از بیسوادی نجات داد .  
راهی که بنظر نگارنده میرسد و پس از سالها بررسی علمی و کوشش عملی به آن رسیده‌ایم بطور خلاصه شرح دادم .

اگر این روش عملی شود احتیاجی به تغییر خط نخواهد بود چون کسانی که با این روش باسواد شوند به آسانی میتوانند خطهای دیگر را نیز فرا بگیرند و اگر فرصت و وسائل برای آموختن خطهای دیگر نداشتند از شر بیسوادی خلاص شده‌اند و احتیاجات خود را میتوانند با آن خط ساده علمی و طبیعی مرتفع سازند .

هدف دوم آن است که خطی معمول شود تا اشخاصی که با سواد شده‌اند گرفتار دشواری‌های خط کنونی فارسی نشوند .

در پاسخ آنها می‌گوئیم اشخاصی که با این روش طبیعی و منطقی باسواد شدند خود چاره‌ی آن را بهتر از دیگران خواهند جست .

محمد مقدم

رئیس‌شکاد علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی